

تولید و نظام بانکی اسلامی

بانکداری اسلامی معوقه‌ها

با آن که بهره مندی از نظام بانکی مبتنی بر اقتصاد اسلامی، از مهمترین عوامل پیش گیرنده مطالبات معوق است، پیدایش چنین حجمی از مطالبات معوق در نظام بانکی اسلامی کشور بسیار سؤال برانگیز است.

بانکداری ایران و مطالبات معوق؟

شواهد حکایت از آن دارند که قواعد بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور ما به خوبی اجرا نمی‌شوند و در عمل از مکانیزم‌های آن در نظام بانکی کشور بهره نمی‌بریم. عدم پایبندی بانک‌های کشور در سود و زیان عقود وضع شده با وام گیرنده یعنی عدم پایبندی به بانکداری اسلامی و این امر، سرآغازی برای ایجاد مطالبات معوق در بانک‌های کشور است.

در حال حاضر بسیاری از فعالان حوزه بانکی معتقدند به دلیل گستردگی بازار، این که بانک بخواهد در تمام امور سرمایه گذاری بخش‌ها و صنایع مختلف، آن هم از ابتدا تا انتهای پروژه نظارت داشته باشد، اولاً از توان بانک خارج است و به علاوه، یک بانک قادر به دخالت در امور

روند صعودی رشد مطالبات معوق در ایران، یکی از مظاهر ناکارآمدی مدیریتی در اقتصاد کشور است که نظام بانکی را از ایفای نقش اصلی خود که همان تسهیل مسیر توسعه می‌باشد باز داشته است. البته درست است که معوقه‌ها در خلال سالیان گذشته به وجود آمده‌اند و در سال‌های اخیر، به دلایلی چند، رقمشان به طرز شگفت آوری آشکار شده است، اما این دلیل نمی‌شود که بخواهیم مشکلات نظام بانکی را بازگو نکنیم. برای رفع مشکل مطالبات معوق، راهکارهای نظری متعددی بیان شده که بهره گیری از آنها یقیناً احتمال وقوع معوقه‌ها را کاهش می‌دهد.

در کنار تمام راهکارهای موجود، بهره مندی از نظام بانکداری اسلامی، پتانسیل دیگری است که می‌تواند از وقوع مطالبات معوق در نظام بانکی جلوگیری کند. سؤال مهم این است که بانکداری اسلامی از چه مکانیزمی بهره می‌برد که می‌تواند مطالبات معوق را کنترل کرده و از وقوع آن جلوگیری کند؟ یا این که مگر نظام کنونی بانکداری ایران، مبتنی بر نظام بانکداری اسلامی نیست؟ پس چرا چنین حجمی از مطالبات معوق در آن به وجود آمده است؟ برای پاسخ به این سؤالات، بحث حاضر را به دو بخش تقسیم می‌کنیم. قسمت اول را به وصف نظام بانکداری اسلامی اختصاص می‌دهیم و نشان می‌دهیم این سبک بانکداری، چگونه از ایجاد مطالبات معوق جلوگیری می‌کند. بخش دوم را هم به این مسئله اختصاص می‌دهیم که چرا نظام بانکداری مبتنی بر اقتصاد اسلامی در ایران، شاهد معضلی به نام معوقه‌های بانکی است.

در تعریف بانکداری اسلامی این چنین آمده است که بانک باید برای یک فعالیت اقتصادی از طریق مشارکت (Participation) و نظارت (Supervision)، از ابتدا تا زمان به بار نشستن، در پروژه اقتصادی دخالت، نظارت و تصمیم گیری کند. یقیناً زمانی که بانک تسهیلات دهنده، منابع مالی را در اختیار شریک خود قرار می‌دهد و از این طریق به نسبت سرمایه و کار بکار گرفته شده در فعالیت اقتصادی در پروژه سهم می‌شود، دیگر دلیلی وجود ندارد طلبی از شریک خود داشته باشد که بخشی از آن به حالت معوق درآید.



تصمیم گیری مثلاً در بخش صنعتی، کشاورزی و یا خدماتی نیست. اگر بخواهیم باور این گروه را مبنای چارچوب فعالیت بانکداری کشور در نظر بگیریم - که البته این گونه هم هست - تنها باید سیستم بانکداری کشور را ناتوان قلمداد کنیم. بانک‌ها می‌توانند با بکارگیری کارشناسان زنده در حوزه‌های مختلف که تسلط کافی در راهبری امور سرمایه گذاری بخش‌ها و زیربخش‌های گوناگون اقتصادی و صنعتی دارند، توانایی لازم در نظارت و تصمیم گیری پروژه‌های گوناگون را به دست آورند. ◀

فله‌ای و بی‌بازده

ناکارآمدی در ریسک سنجی بانک‌ها

ندارند. مضاف بر این، بسیاری از طرح‌هایی که در ایران مشمول وام می‌گردند، فاقد هر گونه طرح توجیه پذیر کسب و کار (Business Plan) هستند. نیروی انسانی ناکار آموخته، دلیل دیگری در توجیه این مسئله است؛ چرا که عدم برخورداری از کارشناسان مجرب سبب می‌شود سوددهی برخی از پروژه‌ها غیرواقعی جلوه داده شده و بی‌دلیل توجیه اقتصادی پیدا کنند. چنین بی‌مبالاتی‌هایی در نظام اعتبار سنجی بانکی، تنها یک پیامد بر جای می‌گذارند و آن حرام کردن منابع و سرمایه‌ها در طرح‌هایی است که فاقد بازدهی مناسب هستند. پیشنهاد می‌کنیم به دلیل آن که کشورمان از بازار سرمایه‌ای کارآمد بهره نمی‌برد و در نتیجه عمده تأمین سرمایه بخش‌ها و صنایع از طریق منابع بانکی صورت می‌گیرند، نظام بانکداری مرکزی، التزام بکارگیری روش‌های مدرن اعتبار سنجی مشتریان مشمول وام را در دستور کار بانک‌ها قرار دهد و با استخدام نیروهای زنده بانکی در این بخش، ریسک پیدایش مطالبات معوق را به حداقل برساند.

عدم بهره‌مندی از تحلیل‌های بجای هزینه به فایده در پروژه‌های اقتصادی، یکی از مهمترین دلایل پیدایش مطالبات معوق در کشور است. بانک‌ها

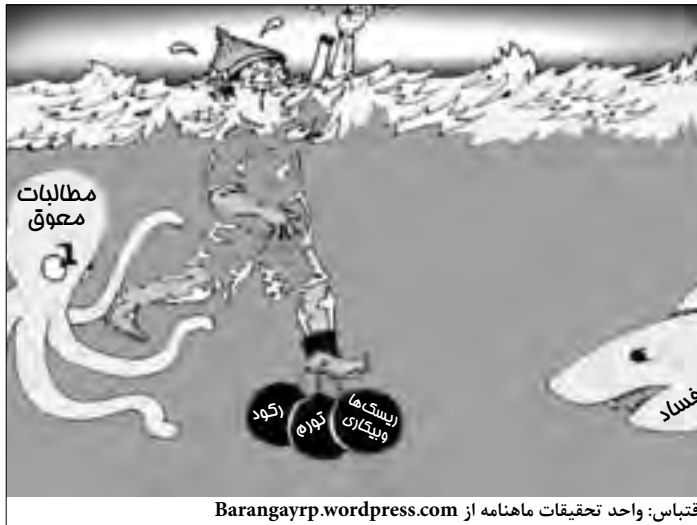


و مؤسسات مالی در کشورهای توسعه یافته، روند وجوه نقدی (Cash Flow) یک بنگاه را به دقت بررسی می‌کنند تا بتوانند ارزیابی درستی از ریسک فعالیت اقتصادی بنگاه وام گیرنده داشته باشند. به عبارت دیگر، با بکارگیری سیستم آنالیز ریسک (Risk Analysis) از احتمال آن که بنگاه نتواند به تعهدات خود عمل نماید مطلع می‌شوند و در نتیجه، یک ذخیره احتیاطی در بانک و یا مؤسسه اعتباری نگه می‌دارند تا در صورت عدم بازگشت وجوه پرداختی، خسارتی در بُعد کلان متوجه مؤسسه نشود. حال آن که چنین ارزیابی‌هایی در امکان سنجی‌ها و اعتبار سنجی‌های بانکداری ایران جایگاه مطلوبی

دارد. مطالعات کارشناسان واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» نشان می‌دهند، این نسبت با روندی کاملاً نزولی از ۴۴ درصد در پایان سال ۸۴ به ۲۶ درصد در پایان سال گذشته رسیده و پیش‌بینی می‌شود در پایان سال جاری هم تقریباً با ۳ واحد درصد کاهش به ۲۳/۳ درصد برسد.

شرایط نامناسب اقتصادی در کشور، از فضای نامتقارن کسب و کار گرفته تا شاخصه‌های تهدید کننده تولید همچون نرخ ارز و نرخ بهره، تولید کننده ایرانی را در تنگنا قرار داده است. عدم چاره اندیشی برای این مشکلات، بسیاری از تولید کنندگان را در راه تولید

دلسرد کرده و اگر دیر بجنبیم، عواقب خطرناک‌تری در انتظار اقتصادمان نشسته‌اند. ■



اقتباس: واحد تحقیقات ماهنامه از Barangayrp.wordpress.com

است و برعکس، هر چه این نسبت کاهش یابد، نشان از انحراف اقتصاد به سمت فعالیت‌های واسطه‌ای، عدم سرمایه‌گذاری در تولید و تمایل به دریافت سود قطعی از نظام بانکی

عدم هدایت منابع به سمت تولید

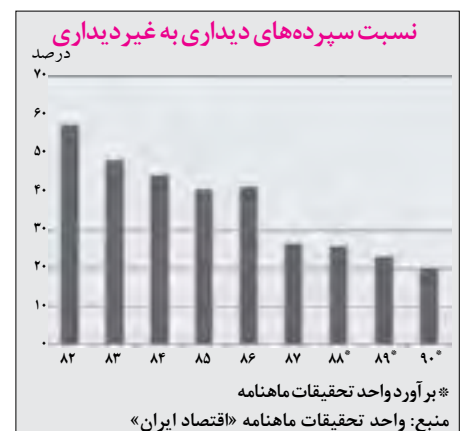
یکی از معضلاتی که در سال‌های اخیر گریبان اقتصاد کشورمان را گرفته، مسأله رکود حاکم بر صنایع و اقتصاد داخلی است. کاهش رشد اقتصادی در پایان سال گذشته مؤید این امر است. در وضعیت کنونی رکودی که تمام عوامل اقتصادی با ظرفیتی کمتر از حد طبیعی و عادی خود مشغول به کارند و در عین حال، بسیاری از واحدها به تعدیل نیروی کار دست می‌زنند، رشد روز افزون نظام بانکی کشور - که باید نقش مکمل واحدهای اقتصادی را بازی کند - کمی تعجب برانگیز است. آیا جز این است که منابع تسهیلات بانکها در جایی به غیر از تولید در حال

خرج شدن هستند؟ البته این مسأله هم به یکی دو سال اخیر برمی‌گردد و طی سالیان گذشته چنین مشکلی در نظام بانکی کشور به وجود آمده است.

بانکداری ایران در سال‌های گذشته در حوزه‌هایی پیشرفت کرده که منطبق بر اهداف اقتصاد اسلامی نیست. به عنوان نمونه بنگرید به سیستم پاداش در اسلام و آن چیزی که امروز در قالب قرعه کشی به صاحبان سپرده پرداخت می‌شود؛ هبه که در بانکداری اسلامی پس از مشارکت عوامل کار و به دلیل تقدیر از تعامل در تولید، به صاحب سرمایه تعلق می‌گیرد، امروز دیگر آن معنای سابق خود را ندارد و بیشتر به گسترش و تقویت نظام شانس می‌پردازد. بدون شک، چنین مواردی در بلند مدت انگیزه تولید را نابود خواهند کرد.

رگه‌هایی از کاهش انگیزه تولید

یکی از شاخصه‌هایی که در نظام بانکی، مبنای تحلیل اقتصاددانان رشد و توسعه قرار می‌گیرد، نسبت سپرده‌های دیداری به سپرده‌های غیردیداری بانکی است. این نسبت از آن جهت مهم است که سپرده‌های دیداری به عنوان ابزار یک بنگاه اقتصادی در خصوص کار و تولید به حساب می‌آیند. حال هر چه این نسبت، روندی افزایشی داشته باشد، نشان از تمایل بیشتر به فعالیت اقتصادی به دلیل رونق اقتصادی



طبقه بندی معوقات بانکی

سبد مطالبات

پولی از اهمیت بیشتری برخوردارند، چرا که بنا بر تعریف، مطالبات مشکوک‌الوصول (Doubtful Account)، مطالباتی هستند که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها گذشته باشد. در نهایت، آن بخش از مطالبات بانکها که صرف نظر از تاریخ سررسید، به دلایل متفاوتی مثل ورشکستگی قابل وصول نباشند، با تصویب هیأت مدیره بانک به عنوان مطالبات سوخت شده (Bad Debts) تلقی می‌شوند. با توجه به این تعاریف، به خوبی اهمیت بیشتر مطالبات مشکوک‌الوصول و سوخت شده - به دلیل تأثیراتی که بر نظام پولی و اعتباری جامعه بر جای می‌گذارند - در قیاس با مطالبات معوق مشخص می‌شود، اما از آنجا که به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب کشور در بسیاری از مواقع، مطالبات معوق به دسته‌های چهارم و پنجم تبدیل می‌شوند، نگرانی‌ها نسبت به این نوع از مطالبات و رشد آنها در کشور افزایش یافته است.

لذا از آنجا که شرایط اقتصادی کشور تأثیر بسزایی در خوش قولی بنگاه‌های اقتصادی کشور دارد، لازم است دولت و بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای مالی و پولی خود، به مقابله با رکود اقتصادی در کشور پرداخته و از این منظر راه را برای تبدیل مطالبات معوق به مشکوک‌الوصول و سوخت شده سد کنند.

گسترش ذنبای پولی امروز، وجود مطالبات معوق را به جزئی لاینفک در نظام پولی و بانکی بدل کرده است. در کنار ضعف بررسی‌های مؤسسات وام دهنده در خصوص ارزیابی شرایط وام گیرندگان، برخی دلایل همچون رکود اقتصادی، شوک‌های هزینه‌ای و مواردی از این قبیل، توانایی پرداخت بدهی‌ها را از صاحبان بنگاه‌ها سلب کرده است.

البته در تعاریف نظام بانکی، مطالبات به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول، مطالبات جاری (Current Loans) هستند و شامل آن دسته از مطالبات می‌شوند که بازپرداخت اصل و سود آن در سررسیدهای مقرر انجام شده و یا بیش از ۲ ماه سررسید گذشته (Expired Loans) اختصاص می‌یابد؛ مطالباتی که از تاریخ سررسید اصل و سود آن و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط، زمانی مابین ۲ تا ۶ ماه گذشته باشد و بخش سوم این طبقه بندی هم به مطالبات معوق (Non Performing Loans) مربوط می‌شود و به آن دسته از بدهی‌ها اطلاق می‌گردد که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده است. در این بین، دسته چهارم و پنجم در نظام

